



بسمه تعالی

امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۱۴۰۲-۱۴۰۳

رشته فلسفه کلام مهدویت امامت

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۴۰۳۲/۰۴
تاریخ آزمون:	۱۴۰۳/۰۳/۱۹
عنوان:	اصول فقه ۲
کتاب:	اصول الفقه، مرحوم مظفر (ره)
محدوده:	از ابتدای الباب الثانی (غیر مستقلات عقلیه) تا پایان بحث اجتماع امر و نهی
حذفیات:	بحث مقدمه واجب

ساعت برگزاری: ۹ صبح	نمره: ۱۴	نوع امتحان: ۹۰ دقیقه
---------------------	----------	----------------------

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلسمی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- تظاهر الثمرة في مسألة الضد إذا قلنا ... ص ۳۱۲ اصول فقه مظفر انتشارات بوستان کتاب- چاپ پانزدهم

۰/۵

- (أ) إِنَّ التَّهْيِ الْأَصْلِيَّ يَقْتَضِي الْفَسَادَ فِي الْعِبَادَةِ
- (ب) إِنَّ صِحَّةَ الْعِبَادَةِ مَتَوَقَّفَةٌ عَلَى إِحْرَازِ مَحْبُوبِيَّتِهَا الذَّائِيَةِ لِلْمَوْلَى
- (ج) بِالترتیب بین الأمرین الأمر بالأهمّ والأمر بالمهمّ
- (د) إِنَّ حَرَمَةَ أَحَدِ الْمُتَلَاذِمِينَ تَسْتَلْزِمُ حَرَمَةَ مُلَازِمِهِ الْآخَرَ

۲- إِنَّ مَعْنَى التَّرْتِيبِ الْمَقْصُودِ هُوَ اشْتِرَاطُ الْأَمْرِ بِالْمَهْمِّ بِتَرْكِ الْأَهْمِّ وَ يَكُونُ هَذَا الْاِشْتِرَاطُ مَدْلُولًا لِدَلَالَةِ... ص ۳۱۸

۰/۵

- (أ) الْاِقْتِضَاءُ
- (ب) الْاِشَارَةُ
- (ج) التَّنْبِيهُ
- (د) الْاِلْتِزَامُ بِالْمَعْنَى الْأَخْصِ

۳- در کدام فرض هر دو قول جواز و امتناع اجتماع امر و نهی محتمل است؟ ص ۳۲۳ و ۳۲۴

۰/۵

- (أ) تَعَدَّدَ الْعِنْوَانُ لَا يُوجِبُ تَعَدُّدَ الْمَعْنُونَ
- (ب) تَعَدَّدَ الْعِنْوَانُ يُوجِبُ تَعَدُّدَ الْمَعْنُونَ
- (ج) الْحُكْمُ لَا يَسْرِي مِنَ الْعِنْوَانِ إِلَى الْمَعْنُونَ
- (د) الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ فَعْلِيَّانِ مَعًا فِي فَرْضِ الْجَمَاعِ

۴- کدام گزینه صحیح است؟ ص ۳۳۴ و ۳۳۵

۰/۵

- (أ) عنوان به وجود ذهنی اش متعلق طلب است
- (ب) تکلیف از عنوان به معنوی سرایت می کند؛ چون عنوان فانی در معنوی است
- (ج) متعلق تکلیف معنوی است
- (د) متعلق تکلیف عنوان از جهت فناء در معنوی است و فناء مصحح تعلق تکلیف به آن است

۵- حکم خروج از زمین غصبی با سوء اختیار چیست؟ ص ۳۴۴

۰/۵

- (أ) وجوب نفسی
- (ب) وجوب غیری
- (ج) اباحه
- (د) حرمت

۶- المعروف بین الفقهاء کون ما أتى به فی حال الاضطرار ص ۲۵۳

۰/۵

- (أ) مجزیا أداء لا قضاء
- (ب) مجزیا قضاء لا أداء
- (ج) مجزیا مطلقا
- (د) غیر مجزیا مطلقا

۸- ضد عبادی در چه فرضی صحیح و در چه فرضی فاسد است؟ چرا؟ ص ۳۱۱

پاسخ: اگر امر به شیء دلالت بر نهی از ضد خاص کند، چون شیء منهی غیر قابل تقرب به واسطه آن است، فاسد می‌باشد و اگر امر به شیء دال بر نهی از ضد نباشد، ضد منهی عنه نبوده و در نتیجه دلیل بر فساد آن نیست؛ ضمن این که عبادیت آن امر دارد.

۹- با توجه به عبارت «لا اختلاف فی الضدّ العام من جهة أصل الاقتضاء و عدمه، وإنما الاختلاف فی کیفیته فقيل: إنّه علی نحو

العینیة و قيل: إنّه علی نحو الجزئیة» ص ۳۰۳

الف) مراد از ضدّ عام چیست؟

ب) مقصود از اقتضای به نحو عینیت و جزئیت را توضیح دهید.

پاسخ: الف) ضد عام یعنی ترک واجب

ب) عینیت، یعنی امر به شیء عین نهی از ترک آن شیء است و جزئیت، یعنی وجوب منحل به «طلب شیء + منع از ترک» می‌باشد و بنابراین، منع از ترک، جزء تحلیلی در معنای وجوب است.

۱۰- دو اصطلاح در حکم ظاهری را توضیح دهید و در بحث «اجزاء حکم ظاهری از واقعی» کدام معنا مراد است؟ ص ۲۵۵-۲۵۷

۲/۵

پاسخ: ۱. حکم ظاهری در مقابل حکم واقعی؛ هرچند که حکم واقعی مستفاد از اماره باشد؛ در این فرض حکم ظاهری مخصوص به حکمی می‌شود که با اصول عملیه ثابت شود. (۱ نمره)

۲. حکم ظاهری در فرض جهل به واقع ثابت می‌شود چه به اماره آن حکم ثابت شود و چه به اصل عملی. (۱ نمره)
در بحث اجزاء معنای دوم مراد است. (۵/۰ نمره)

۱۱- تفاوت مسئله اجتماع امر و نهی با باب تعارض و تراحم چیست؟ ص ۳۲۹ و ۳۳۰

۲/۵

پاسخ: عنوانی که در خطاب امر یا نهی اخذ شده، گاه به صورت عموم استغراقی لحاظ می‌شود و شامل تک تک افراد با تمام خصوصیات و ویژگی‌های آنها است که در این صورت بین دو دلیل در مقام جعل و تشریح تکاذب پیش می‌آید و از باب تعارض خواهد بود.

و گاه به صورت عموم بدلی ملاحظه می‌شود که مطلوب در امر و منهی عنه در نهی، صرف طبیعت است و ضمن هر فردی که تحقق یابد کافی است و دیگر عنوان ظهوری در شمول تمام افراد ندارد؛ در این صورت وقتی مکلف بین دو عنوان جمع می‌کند از دو حال خارج نیست:

مندوحه‌ای از جمع بین آن دو وجود دارد؛ ولی با سوء اختیار خود بین آن دو جمع کرده است؛ این از مصادیق مسئله اجتماع امر و نهی می‌شود.
مندوحه‌ای ندارد که در این صورت بین دو تکلیف فعلی تراحم واقع می‌شود.

۱۲- با توجه به عبارت «أن متعلق التکلیف سواء كان أمراً أو نهياً ليس هو المعلنون أي الفرد الخارجي للعنوان بما له من الوجود

الخارجي فإنه يستحيل ذلك بل متعلق التکلیف دائماً و أبداً هو العنوان»؛ توضیح دهید از نظر مصنف، چرا معنون نمی‌تواند متعلق

تکلیف باشد؟ ص ۳۳۳

۲

پاسخ: زیرا، محال است شوق به معنون تعلق بگیرد؛ چرا که شوق به معنون یا در حال عدمش تعلق می‌گیرد و یا در حال وجودش، و هیچ یک از این دو امکان وقوع ندارد. زیرا در فرض اول (تعلق در حال عدم) لازم می‌آید که امر موجود (یعنی شوق) متقوم به امر معدوم باشد و تقوم موجود به معدوم محال واضح است. در فرض دوم (تعلق در حال وجود) نیز اشتیاق به امر محقق، به منزله تحصیل حاصل است که محال می‌باشد. علاوه بر این که شوق از امور نفسانی است و معقول نیست آنچه در نفس است، بدون هیچ متعلقی تشخیص پیدا کند.